

سینو هه

بزشک مخصوص فرعون

میکائیلی

مترجم: وحیده سعیدی

شابک	: ۲۷۰۰۰ ریال ۷-۱-۹۵۸۷۹-۶۰۰-۹۷۸ :
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۲۷۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور	: سینوهه پزشک مخصوص فرعون / میکا والتاری؛ مترجم وحیده شکری.
مشخصات نشر	: گرگان: انتشارات احرام، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۶ ص.
یادداشت	: کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان "Sinuhe the Egyptian: a novel" به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت	: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است.
موضوع	: سینوهه، قرن ۲۰ ق
موضوع	: Sinuhe
موضوع	: داستان‌های فنلاندی -- قرن ۲۰ م.
موضوع	: Finnish fiction -- ۲۰th century
رده بندی یوبی	: ۸۹۴/۵۴۱۳۳
رده بندی کتر	: ۱۳۹۵ س۹/۲/PH۳۵۵
سرشناسه	: والتاری، میکا، ۱۹۰۸-۱۹۷۹ م.
	: Waltari, Mika
شناسه افزوده	: شکر، ، وحیده، ۱۳۶۶ - مترجم
وضعیت فهرست نویسی	: ۱

نام کتاب / سینوهه پزشک مخصوص فرعون

مؤلف / میکا والتاری

مترجم / وحیده شکری

ناشر / احرام

تیراژ / ۳۰۰۰

چاپ / توحید

نوبت و تاریخ چاپ / اول / ۱۳۹۵

امور فنی / محمد صالح قربانی نصرآبادی

طراح جلد / محمد صالح قربانی نصرآبادی

شابک / ۷-۱-۹۵۸۷۹-۶۰۰-۹۷۸

قیمت / ۲۷۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	سخنی از ناشر
۱۴	مقدمه
۱۵	از ران نویسنده
۲۰	وره خودکی

کرد و عنوان سینه به پزشک مخصوص فرعون و الهی در این زمان تاریخی که سینه به که در دوران دوازدهم خاندانهای سلطنتی مصر (۱۶۰۰ پیش از میلاد) می‌زیسته را به دوران فرعون شهر مصر (۱۲۳۶ یا ۱۲۳۵ پیش از میلاد) آورده و گویا بر اساس شواهد تاریخی که از دوره آجاتون داشته داستانی تاریخی خلق کرده. در این کتاب اطلاعات و توصیفات تاریخی این کتاب که شهرتی جهانی یافته و به خود به ارمغان آورده سخنان بسیاری گفته شده است و به نظر می‌رسد وجود دارد.

داستان سینه به (به انگلیسی (The Tale of Sinuhe) را یکی از بهترین و موفق‌ترین آثار ادبیات مصر باستان دانسته‌اند. داستان سینه به که پزشک ویژه فرعون هم بود به وقایع پس از مرگ آمین هتپا یکم بینندگان دودمان دوازدهم مصر باستان باز می‌گردد. داستان درباره شخصیتی است که در هنگام تولد او را در یک سبد دستپاف گذاشته و به رود نیل سپردند و خانواده‌ای فقیر او را یافته و به فرزندی بزرگ

سخنی از ناشر:

mika valtari در ۱۹۴۵ میلادی رمانی تاریخی منتشر

کرد در مورد سینوهه پزشک مخصوص فرعون. والتاری در این رمان تاریخی سخنی با نام سینوهه که در دوران دوازدهم خاندان‌های سلطنتی مصر (۲۰۵۰ تا ۱۶۵۰ پیش از میلاد) می‌زیسته را به دوران فرعون شهیر مصر آمنتور (در گذشته ۱۳۳۶ یا ۱۳۳۴ پیش از میلاد) آورده و گویا بر اساس شواهد تاریخی‌ای که از دوره آخناتون داشته داستانی تاریخی خلق کرد. در میزان اعتبار اطلاعات و توصیفات تاریخی این کتاب که شهرتی جهانی، آن‌را نریسنده خود به ارمغان آورد، سخنان بسیاری گفته شده است و نظرات متفاوتی وجود دارد.

داستان سینوهه (به انگلیسی (The Tale of Sinuhe) را یکی از بهترین و موفق‌ترین آثار ادبیات مصر باستان دانسته‌اند. داستان سینوهه که پزشک ویژه فرعون هم بود به وقایع پس از مرگ آمن هتب یکم بنیانگذار دودمان دوازدهم مصر باستان باز می‌گردد. داستان درباره شخصیتی است که در هنگام تولد او را در یک سبد دستباف گذاشته و به رود نیل سپرده‌اند و خانواده‌ای فقیر او را یافته و به فرزندی بزرگ

می‌کنند. سینوهه در ادامه به مقام کاهنی و پزشکی مخصوص فرعون می‌رسد و سفرهایی را به بابل و سوریه و کناره دریای مدیترانه می‌کند. در طول این سفر با رخداد‌های گوناگون روبه‌رو می‌شود. در بازگشت به مصر برای نجات مصر از حفره پزشکی خود استفاده می‌کند. در میانه‌های داستان او به هویت راستین پدر و مادرش پی می‌برد.

در مورد این که سینوهه شخصیتی است واقعی یا افسانه‌ای چیزی دانسته نشد، شاید او نیز همانند «یل سیستان» باشد که فردوسی بزرگ از او «رستم داستان» را ساخته است. کتاب سینوهه مربوط می‌شود به نزدیک ۱۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح. این کتاب در حفاری‌های باستانی مصر پیدا شد. به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شد. سینوهه پزشکی بود که به بیشتر دنیا سفر کرد (برای سینوهه دنیا محدود به مصر، سیاه‌پوستان جنوب مصر، ملل وحشی و آدم‌خور شرق و جنوب اروپا، سوریه و بابل می‌شد) و به دلیل عقاید روشنفکرانه‌ای که داشت اغلب تحقیر می‌شد. وی پس از تحمل سزای‌های زیاد پزشک مخصوص فرعون می‌شود. در نهایت خودش مجبور می‌شود که فرعون را بکشد و در اواخر زندگی فرعون جدید که با کمک او سینوهه به حکومت رسید به خاطر ایده‌های روشنفکرانه‌اش، وی را به کشوری دیگر تبعید می‌کند. یکی از ویژگی‌های بارز کتاب سینوهه پزشک مخصوص فرعون، توصیف دقیق نحوه زندگی و اوضاع اجتماعی کشورهای مصر، سوریه، بابل، هیتی، میتانی در دوران آخناتون است که در میان سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۵۱ پیش از زادروز مسیح می‌زیسته است.

نسخه‌ی اصلی سینه‌هه

سینه‌هه پزشك مخصوص فرعون - کتابیست که از روی پاپیروس‌های کشف شده از مصر باستان و توسط میکا والتاری به زبان امروزی رانده است، و این کتاب سرگذشت سینه‌هه، پزشك مخصوص دربار فرعون است از همین رو این کتاب را تاریخی می‌داند و طبیعیست مخاطبان که به تاریخ و به ویژه تاریخ مصر باستان علاقمند هستند جذب این کتاب می‌شوند اما صحت و سقم ماجرا ...

اولین میکا والتاری که شرح احوال او گذشت هرگز باستان‌شناس و مصرشناس نبوده، بلکه داستان تاریخی می‌نوشته است، پس چنین شخصی نه پاپیروسی را کشف کرده و نه برگردان نهاده است.

ثانیاً: چند دهه‌ی گذشته مصرشناسان از روی کتیبه‌ی که به زبان مصر باستان و روی سنگ حک شده بود و ذیل آن ترجمه‌ی یونانی آن هم حک شده بود، و با توجه به دانستن زبان یونان باستان موفق به رمزگشایی قسمتی از الفبای باستانی مصر شدند و تاکنون هیچ کتیبه یا پاپیروسی بیش از ۴ سطر از مصر باستان کشف نشده، به همین خاطر

بخشی از الفبای مصر باستان هنوز هم به صورت یک راز بوده و رمز گشایی نشده است.

اصل این کتاب، که میکا والتاری آن را نوشته است، با نام مصری است و دارای ۶۰ صفحه می باشد، یعنی به ازای هر خط بیش از ۱۶ خط به آن اضافه شده است که خود دلیلی بر تغییرات وسیع و غیر قابل قبو کتاب نسبت به اصل داستان است ضمن آنکه نوشتن کتاب در مصر باستان، از بزرگترین کارها بوده که به فرمان فرعون و با هزینه ای گزاف و با حضور جمعی وسیع از کاهنان و در مدت طولانی ای تألیف می شده است. بار چگونگی پیرمردی ناتوان، به تنهایی و با رعایت این مقدار از جزییات توانسته زندگی نامه ی خود را بنویسد؛ جای سوال و شگفتی بی پاسخ نیست. تمامی دنیای خط مصر باستان با علائمی نظیر، مثلث، موج دریا، چشم، پرده ... رشته می شده است، این یعنی کتابی که میکا والتاری نوشته است، می بایست با خط باستانی مصر دارای ۱۰۰۰۰ صفحه پاپیروس نوشته شده باشد.

صرف نظر از تعداد عجیب آن، چگونگی پیرمردی ناتوان با تنهایی توانسته این حجم از کتاب را که نوشتن آن با وسایل باستانی ده ها سال و حتی بیشتر زمان می برده بنویسد! تهیه ی یک کاغذ پاپیروس چندین روز طول می کشیده و بسیار گران بوده، اینها را هم به ابهامات ماجرا اضافه کنید ضمن آنکه تا کنون هیچ متنی از مصر باستان که بیش از ۴ سطر باشد کشف نشده، و هنوز قسمتی از الفبای باستانی مصر رمز گشایی نشده است!

در نهایت به اطلاع خوانندگان محترم این کتاب می‌رسانیم کتاب حاضر نسخه‌ی اصلی کتاب سینوهه به قلم میکا والتاری می‌باشد بدون هیچ کم و کاستی.

مقدمه:

مصر یک داستان قوی و بکر است که مجدداً گردآوری شده است، از این روغن از دگه‌های تازه از افسانه‌ها و روایات قومی جذاب می‌باشد. به طور کلی این کتاب با یک برتری ادبی نوشته شده است که حتی می‌تواند چند زبان تاریخی معاصر را به رخ بکشد. مصر، بیش از یک هزار سال قبل از میلاد مسیح قدمت دارد که در جهان نیز شناخته شده است و توسط سینو هه گفته شد. این داستان زندگی‌اش شد، از طریق چشم‌هایش شخصیت‌های بی‌حد و حصر می‌بیند که پوشش کامل پانوراما از جهان باستان است. در اوقایع جنگ، فتنه، قتل، شورش، عشق و نزاع‌های مذهبی).

داستان مصر، یک عظمت واقعی است که به درستی حوزه گسترده‌ای از داستان‌های اصیل و مهم می‌باشد و از یک سبک روایت قدرتمند برخوردار است این پیروزی شگفت‌آور از تخیل خلاق سرچشمه می‌گیرد، نویسنده این کتاب، میکا والتاری، به طور قطع معروفترین نویسنده‌ی در قید حیات فنلاند می‌باشد.

از زبان نویسنده:

من این کتاب را برای مدح و ستایش خدایان نمی نویسم، برای من که خسته از خدایان هستم و نه دلخوش به عظمت فراغه برای من که خسته از اعمال خود هستم نه از روی ترس و نه از روی هیچ امیدی به آینده بلکه برای خودم به تنهایی می نویسم. آنقدر در زندگی از فراغه و مردم رنج کشیده ام که از همه چیز حتی امیدواری به دست آوردن نام جاوید، سرم.

من این کتاب را فقط برای اینکه خود را راضی کنم می نویسم و تصور می کنم که تنها نویسنده ای هستم که بدون هیچ منظور مادی و معنوی دست به این کار زده ام، هرچه که تا به امروز نوشته شده یا برای خوش آمد گویی به خدایان و یا برای راضی کردن انسان بوده است.

من فراغه را جزء انسان ها می دانم زیرا آنها با ما فرقی ندارند و من این موضوع را با ایمان و اعتقاد می گویم به دلیل اینکه من پزشک فرعون های مصر بودم از نزدیک روز و شب با آنها حشر و نشر داشتم و می دانم که آنها از حیث ضعف و ترس و زبونی و احساسات قلبی مانند ما هستند حتی اگر یک فرعون را هزاران مرتبه بزرگ کنند و او را

در شمار خدایان در آورند باز هم انسان است و مانند ما می باشد، آنچه که تا به امروز نوشته شده است به دست نویسندگانی تحریر گردید که مطیع امر سلاطین بوده اند و برای این که حقایق را دگرگون کنند اینها را می نوشتند.

من تا امروز کتابی را ندیده ام که در آن به حقیقت نوشته شده باشد، در کتاب ها خدایان و مردم را با تملق توصیف کرده اند، در این دنیا تا به امروز در هیچ کتاب و نوشته ای حقیقت وجود نداشته است و تصور می کنم در این هم در حقیقتی وجود نداشته باشد، ممکن است که لباس، زبان، آداب و رسوم و اعتقادات مردم عوض شود اما حماقت آنها عوض نمی شود و در تمام دوره ها می توان به وسیله گفته ها و نوشته های دروغ مردم را گول زد زیرا همانطور که مگس عسل را دوست دارد، مردم هم دروغ ریا و وعده های پوچ را که هرگز عملی نخواهد شد، دوست می دارند.

آیا نمی بینید مردم چطور در میدان، اطراف نقال ژنده پوش را که روی خاک نشسته اما حرف از زر و گوهر می رند به مردم وعده گنج می دهند، به حرف های او گوش می دهند؟!

ولی من که نامم (سینوّه) می باشد از دروغ در این آخر عمر متنفرم و به همین دلیل این کتاب را برای خود می نویسم نه دیگران.

من نمی خواهم کسی کتاب مرا بخواند و تعریف کند، نمی خواهم کودکان در مدارس عبارات کتاب مرا روی تخته بنویسند و از روی آن

مشق نمایند. من نمی‌خواهم که خردمندان در موقع صحبت از عبارات کتاب شواهدی بیاورند و بدین وسیله علم و دانش خود را به ثبات برسانند.

هر کس چیزی را می‌نویسد امیدوار است که دیگران بعد از او، کتابش را بخوانند و از او تعریف و تمجید کنند و نامش را فراموش نکنند به همین دلیل ایمان خود را زیر پا می‌گذارند و همرنگ جماعت می‌شوند و سخیف‌ترین و زشت‌ترین گفته‌ها را که خود نیز بدان معتقد نیستند می‌نویسند تا اینکه دیگران آنها را تحسین و تشویق کنند ولی من چون نمی‌خواهم کسی کتابم را بخواند همرنگ جماعت نمی‌شوم و اوهام و خرافاتش را بجان من نمی‌کنم.

من معتقدم که انسان تغییر نمی‌کند حتی یکصد هزار سال از عمر او بگذرد فرد را اگر در رودخانه بیندازید به محض اینکه لباس‌هایش خشک شد همان می‌شود که بود. یک انسان را اگر گرفتار اندوه نمایید از کرده‌های گذشته پشیمان می‌شود ولی همان که اندوه او از بین رفت به وضع اول برمی‌گردد و همانطور خودخواه و بیرحم می‌شود، چون شکل و رنگ بعضی از اشیاء و کلمات اقوام تغییر می‌کند و بعضی از غذاها و لباس‌های امروز متداول می‌شود که دیروز موجود نبود مردم تصور می‌کنند که امروز غیر از دیروز است ولی می‌دانم چنین نیست و در آینده هم مانند امروز و مثل دیروز واقعیت را دوست نمی‌دارد، بنابراین نمی‌خواهم کسی کتاب مرا بخواند و تمایل دارم که در آینده گمنام باشم.

من این کتاب را برای این می نویسم که می دانم توانایی و دانش من مانند تیزاب قلب انسان را می خورد و اگر انسان دانایی خود را به دیگری نگوید قلب او از بین می رود من نمی توانم دانایی ام را به کسی بگویم و لذا آن را برای خویش می نویسم تا بدین وسیله خود را تسکین بدهم. من در مدت عمر خود چیزهای زیادی دیدم از جمله شاهد بدم که پسری مقابل چشم من پدرش را به قتل رساند.

در گذشته جای من در کاخ فرعون و در طرف راست او بود بزرگانی که صلابت غلام داشتند برایم چاپلوسی می کردند و هدایا می فرستادند و دارای گردنبار زر بودم. امروز در اینجا که که نقطه ای واقع در ساحل دریای سرخ است زندگی می کنم ولی ثروت من از بین نرفته و همچنان ثروتمند هستم و غلامان دو دست را روی زانو می گذارند و مقابلم سر فرود می آورند، علت اینکه مرا از شهر طبس و مصر تبعید کرده اند و به اینجا فرستادند این است که من در زندگی همه چیز داشتم اما می خواستم چیزی بدست آورم که لازمه بدست آوردن آن اینست که انسان همه چیز را از دست بدهد.

من می خواستم که حقیقت حکمفرما شود و ریا، دروغ و ظاهر سازی از بین برود اما نمی دانستم حکمفرمایی حقیقت در زندگی انسان امری محال است و کسی که راستگو باشد و با صداقت زندگی کند باید همه چیز را از دست بدهد پس من باید خیلی خوشحال باشم که هنوز ثروت خویش را حفظ کرده ام.